

رهنمود ثقفی به کارگران اعتصابی ماهشهر



نوشته شده توسط: سحر صبا

کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر که یکی از صنایع مهم و بزرگ میباشند برای دومین بار دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب توجه افکار عمومی و جریانات داخل و خارج را به خود جلب نمود. جهت گیری و نظرات متفاوتی در رابطه با این اعتصاب ارائه داده شده است. در میان آنها دیدگاهی وجود دارد که کارگران اعتصابی را به ایجاد تشکلهای مستقل از کارفرما، دولت و احزاب فرا می خواند و آقای علیرضا ثقفی یکی از مبلغین و مدافعین آن میباشند(1). او در یک اطلاعیه کوتاه خطاب به اعتصاب بندر ماهشهر، به کارگران "ایجاد تشکل مستقل از کارفرما، دولت و احزاب" را رهنمود داده است. ایشان جدایی ایجاد تشکل مستقل از کارفرما و دولت، با جدایی از احزاب را آگاهانه در کنار هم می گذارد، بدور از هر گونه استدلال نظری و سیاسی.

این دیدگاه تشکلهای مستقل جدا از دولت و گرایشات سیاسی، بحث جدیدی نیست که امروز از طرف آقای ثقفی مطرح میشود اما نکته قابل بحث اینجا است، چرا هر زمان طبقه کارگر میخواهد با حضور فعال و مبارزه جدی اش رژیم را مرحله ای به عقب براند و در تغییر و دمکراتیزه نمودن فضای سیاسی جامعه نقش ایفاء نماید، مدافعان این دیدگاه با نصایح و اندرز میخواهند تشکلهای کارگری را از احزاب چپ و کمونیست دور نمایند، به عبارت دیگر عملن کارگران را از دست زدن به مبارزه سیاسی بر حذر می دارند.

مبارزه هر روزه طبقه کارگر ایران در بدست آوردن مطالباتش و ایجاد تشکلهای توده ای بخصوص در یک دهه گذشته این حقیقت را بر همه جریانات سیاسی و آگاه ترین فعالین جنبشهای اجتماعی روشن ساخته که تغییر و تحولات بنیادی و سیاسی در ایران بستگی به میزان تحریکات و پیشرویهای طبقه کارگر ایران دارد و در این شکی نیست که شرط حیاتی هر گونه ایفای نقش اجتماعی طبقه کارگر در گرو ایجاد تشکلهای سیاسی اش است. در جامعه ای مثل ایران حتا مبارزات اقتصادی طبقه کارگر نمی تواند صرفا اقتصادی، و بدور از اهداف سیاسی باشد. حتا اگر بخواد قدمی در رفع مطالبات صنفی اش بردارد.

شاید مصلحت رهنمود آقای ثقفی و دیدگاهش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری جدا از احزاب از اینجا ناشی میشود که ایجاد این نوع تشکلهای کمتر حساسیت دولت را در مبارزه و سرکوب کارگران برانگیخته و برای آنان ایجاد مصونیت میکند. و همچنین با داشتن این نوع تشکلهای و دوری نمودن از احزاب کارگران معضل جدی سیاسی با دولت نخواهند داشت و دولت سرمایه جمهوری اسلامی اقدام به سرکوب آنها نخواهد کرد. طبق این دیدگاه اگر احزاب چپ وجود نداشتند و تشکلهای کارگری در هماهنگی با این احزاب برای بدست آوردن مطالبات سیاسی اشان مبارزه نمی کردند دلیلی برای

سرکوب وجود نداشت و سرمایه داری به خطر نمی افتاد. پس آقای ثقفی توصیه می کند که طبقه کارگر بهتر است از چهار چوب مبارزه فعالیت‌های صنفی، اقتصادی فراتر نرفته تا با این عمل بتواند هم به بقا خود ادامه داده و هم از سرکوب شدن جلوگیری نماید. و با حفظ موجودیت و خدشه دار نکردن مناسبات سرمایه داری این تشکلهای در همسویی با بورژوازی قرار گیرند بجای مبارزه و تعارض طبقاتی. دلیل دیگر برای ایجاد این نوع تشکلهای می تواند این باشد اگر تشکلهای مستقل نباشند سرکوب میشوند و ما می بینیم این واقعیت ندارد که کارگران سندیکای شرکت واحد و هفت تپه علی رغم اینکه وابسته به احزاب نیستند اما همچنان سرکوب می شوند و رهبران آنها فقط به جرم ایجاد تشکلهای مستقل از دولت در زندان هستند و مورد بیشترین اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفته اند. این دیدگاه راست ثقفی دقیقاً در همسویی با دولت جمهوری اسلامی است که می گوید کارگران کار و فعالیت سیاسی نکنند و عضو تشکلهای سیاسی نشوند. این هم نظری با دولت های سرمایه داری و نهاد های بین المللی است که معتقدند کارگران با قبول سه جانبه گرایی، قانون گرایی و داخل شدن در تشکلهای دست ساز سرمایه داری و دوری جستن از احزاب چپ و مقبولیت دادن به نظام سرمایه داری آزاد هستند تشکلهای خود را بسازند. تحمیل ایجاد چنین تشکلهایی در چهارچوب قوانین بورژوازی به طبقه کارگر خارج از اختیار کارگران و اتخاذ تصمیم از بالا، کارگران را از مبارزه با سرمایه داری و مطالبات سیاسی منع می نماید. دقیقاً این دیدگاه آقای ثقفی با رفرمیست ها، دولت جمهوری اسلامی و نهادهای جهانی سرمایه داری منطبق میباشد که همگی آنها را در یک جبهه واحد به دفاع از سرمایه داری و علیه چپ و رادیکالیسم کارگری قرار می دهد.

اما اگر قرار است کارگران متشکل شوند و از منافع خود دفاع کنند نقطه عزیمت این تشکل باید ضد پیتش با منافع سرمایه باشد، تشکلی که در ضدیت با این منافع قرار نگیرد حتی اگر فرض را بر این قرار دهیم که تشکل مستقل از دولت و کارفرما باشد، نهایتاً در سمت و سوی تمکین از بورژوازی قرار خواهد گرفت. تشکلهای توده ای مورد نظر کارگران باید بتوانند در حین مبارزه، طبقه کارگر را قدمی به جلو بر علیه سرمایه سوق دهد. باید در نظر داشت که مبارزه با بورژوازی تنها از وظائف اصلی طبقه کارگر و تشکلهایش نبوده، و همچنین مبارزه با گرایشهای باز دارنده درون جنبش کارگری یکی دیگر از وظایف این تشکلهای و فعالین کارگری سوسیالیست میباشد. اگر به عنوان مثال به همین تشکلهای مستقل جدا از "احزاب" مد نظر آقای ثقفی اکتفا کنیم، مطالبات صنفی در چهار چوب این تشکلهای حتی در بهترین حالتش نمی تواند پایدار بماند. به عنوان مثال: طبقه کارگر برای بدست آوردن خواسته هایش و بویژه مطالبات اقتصادی در یک نبرد طبقاتی هر روزه با سرمایه بر علیه قراردادهای موقت، بیکارسازیها، عدم ایمنی محیط کار، افزایش دستمزد و تقلیل ساعات کار و..... ناچار به مبارزه است. بدست آوردن این خواسته ها مستلزم تعرض به قانون کار ارتجاعی سرمایه است. اینجا است که این مبارزه از چهارچوب مبارزه صنفی خارج شده و بعد سیاسی بخود می گیرد.

قبل از اینکه به کل بحث پرداخته شود. لازم است توجه آقای ثقفی را به این نکته معطوف نمود. مسئله احزاب به این سه دهه بر نمیگردد بلکه از نظر تاریخی، زمینه مادی قوی در حیات سیاسی ایران داشته و دارد.

وضعیت احزاب و جنبش کارگری در کشورهای مختلف متفاوت بوده، و اینکه در هر کشوری کدام یک، احزاب یا جنبش کارگری بر دیگری تقدم داشته است حائز اهمیت است. در کشور ایران جنبش کمونیستی و سوسیالیستی بر جنبش کارگری مقدم بوده است. تا سال 57 در تاریخ ایران این احزاب بودند که با فعالیت خود در تغییر دادن فضای سیاسی و دمکراتیزه نمودن جامعه نقش داشتند، و از این طریق اتحادیه های کارگری را تشکیل میدادند. و بر این مبنا بود که اولین تشکلهای کارگری توسط و به رهبری چپها و کمونیستها بوجود آمدند. اتحادیه های کارگری در ایران ابتدا با ابتکار فعالین حزب کمونیست اولیه در ایران تشکیل شد. در مقابل این تشکلهای کارگری، همواره رژیم، لیبرالها و مرتجعانی وجود داشته اند که خواستار جدایی و استقلال اتحادیه های کارگری از کمونیستها بوده اند. این تشکلهای کارگری همواره تحت این عنوان که وابسته به احزاب چپ و کمونیست بوده اند مورد حمله قرار گرفته اند و این تلقی اشتباه را نزد عده ای بوجود آورده اند که اگر به اصطلاح "مستقل" باشند از حمله رژیم مصون خواهند ماند. بهمین دلیل، احزاب و نقش آنها در جنبش کارگری زمینه مادی قوی و نقش دیرینه دارد و نمی تواند به این سه دهه خلاصه شود.

تشکل مستقل کارگری ای که بطور واقعی منافع کارگران را دنبال کند بطور دائم ناگزیر از روبرو شدن با سرمایه است، و در معرض سرکوب و اختناق سیاسی و بی حقوقی قرار میگیرد. بنابراین، بدون داشتن محتوایی سیاسی و طبقاتی نمی تواند خود را حفظ نموده و در مقابل حملات سرمایه دوام بیاورد. تشکلهای مستقل کارگری ابزار مبارزاتی طبقه کارگر برای به دست آوردن مطالبات اقتصادی و آزادیهای سیاسی در یک مبارزه بی امان و پیگیر برای تحمیل آنها به نظام سرمایه داری ایران است. این مبارزه بدون داشتن یک استراتژی سیاسی، نمی تواند کمک کند طبقه کارگر از دل وضعیت جامعه موجود بیرون بیاید و موقعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را ارتقاء دهد. و از طریق این استراتژی است که طبقه کارگر می تواند با جهت دادن مبارزاتش به سمت قدرت سیاسی و به سرانجام رساندن یک انقلاب اجتماعی موانع جلو روی خود را یکی بعد از دیگری پشت سر بگذارد و پیشروی کند، مسلم است که درک درست از این استراتژی نیاز به تحلیل از پدیده ها و روندهای اقتصادی و سیاسی، و موانع پیش روی طبقه کارگر دارد. این

تجزیه و تحلیل در هر حرکت که طبقه کارگر سرمایه را به چالش می کشاند، می تواند صادق باشد کما اینکه امروز (2) کارگران بندر ماهشهر خواست ایجاد کمیته اعتصاب و صندوق مالی را تا به تحقق رساندن خواسته ها و ایجاد تشکلهایشان را در اولویت و دستور کار خود قرار داده اند.

نظام حاکم سرمایه اسلامی هم دائما در ضدیت با تشکلهای کارگری و احزاب است. و با تهدید و سرکوب و زندانی نمودن فعالین کارگری و سوسیالیست میخواد از انجام این تشکلهای ممانعت به عمل آورد. اما تا آنجا که به خود بورژوازی بر می گردد امر سازمانیابی و تحزب برایش امری حیاتی است، و ارگانهای سرکوبگرش بطور متشکل ، سیستماتیک و سازمانیافته در جهت سرکوبی جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی جامعه بکار گرفته میشود. اما سوال اینجا است آقای ثقفی در رابطه با جنایتهای رژیم که بطور سازمانیافته در طول بیش از سه دهه زندگی و معیشت میلیونها انسان کارگر و زحمتکش را مورد تعرض قرار داده است اعتراض آنچنانی نداشته و افشاگری ننموده است. اما زمانی که تحرکی در طبقه کارگر ایجاد میشود، که میخواد ضرب شستی به رژیم نشان دهد ایشان با بورژوازی هم نظر میشود. تشکل مستقلی که آقای ثقفی ادعایش را دارد مبارزه کارگران را در چهار چوب مبارزات صنفی محدود نموده و نهایتا کارگران را به چانه زنی برای سناروسه شاهی اضافه دستمزد در مقابله با کارفرما و دولت قرار می دهد، دست و بال رژیم و مزدورانش را برای سرکوب کارگران باز می گذارد. و همچنین استدلال جدایی کارگران و تشکلهایشان از احزاب و سازمانهای سیاسی به این خدمت خواهد نمود تا رژیم با دشواری کمتری ابتدا احزاب و سازمانهای چپ را سرکوب کند و سپس به سراغ تشکلهای کارگری برود. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که تشکلهای مستقل مورد نظر آقای ثقفی فقط به مبارزه اقتصادی کارگران اختصاص داده شود، این تشکل باید بتواند کارگران را در امر مبارزه اقتصادی متحد نگه دارد.

و این خود بدون یک فعالیت سیاسی امکان پذیر نیست یعنی آگاه کردن کارگران از عملکرد مناسبات سرمایه داری. آقای ثقفی آگاهانه نظر خود را بطور روشن و شفاف در اطلاعیه ماهشهر بیان نمیکند. کماکان می توان این نتیجه را گرفت که استدلال ایشان از ایجاد " تشکلهای مستقل بدور از احزاب" حضور چپ کارگری در صحنه سیاسی ایران است. که با عروجش در بسیاری از حرکتها کارگری نقش هدایت کننده را دارد. ثقفی آگاهانه در این اطلاعیه نخواسته در مخالفت با احزاب و نقش و تاثیر مستقیم آنها توضیح بیشتری بدهد ، قطع این مباحثات جدی تری را می طلبد، و آن موقع است که بیربطی نظرات راستش به جنبش کارگری و معضلات آن آشکار میشود. بهمین دلیل نظراتش را در چند کلمه ایی مسکوت می گذارد. برای مستدل نمودن نظرات ثقفی لزوما باید به نوشته های ایشان مراجعه نمود. در نوشته " اتحادیه های کارگری و استقلال" ایشان می توان دقیقتر متوجه نظراتش در این رابطه شد.



در نوشته "استقلال اتحادیه های صنفی" با سر تیتر " اتحادیه های کارگری و استقلال" در رابطه با نقش احزاب سیاسی ایشان اشاره می کند.

(3) "تلاش احزاب سیاسی در جهت در اختیار گرفتن اتحادیه ها باعث می شود آنها نتوانند کالای خود را در بازار به بهترین قیمت بفروشند. حضور یک حزب سیاسی در معاملات کالا همواره معادله خرید و فروش را بر هم می زند."

دل نگرانی ثقفی از این نیست که کارگران با تشکلهایشان بتوانند به حداقلی از خواسته هایشان برسند و به مقابله با مناسبات سرمایه داری بپردازند. ایشان همانطوریکه خود اشاره می کنند نگران سود سرمایه و میزان فروش این کالاها هستند که با دور کردن کارگران از احزاب سیاسی به بهترین وجه بتوانند به این امر بردگی سرمایه پاسخ بدهند. ایشان اتحادیه ها را از نظر ساختاری بدقت میشناسد و بر این آگاه هست که بوروکراتیزه شدن ساختار اتحادیه های کارگری ناگزیر از استراتژی راستی است که منافع کارگران را تنها در هماهنگی با منافع سرمایه داران دنبال می کند. و یا در بهترین حالت این است که رهبران فعال اتحادیه ها خواسته های کارگران را به شیوه های چانه زنی، و بده و بستان با کارفرما تعقیب می نمایند.

ایشان در دنباله این مطلب اینطور ادامه میدهند. " (3) در حالیکه فعالان اجتماعی باید با هوشیاری تمام مرز این فعالیتها

را رعایت کنند. در غیر این صورت هم به خود لطمه زده اند و هم به فعالیت‌های اجتماعی. گاه فرصت طلبان و عوامل سرمایه‌داری از همین اشتباه استفاده کرده و اتحادیه‌ها را به طرفداری از سیاست‌های حاکم دعوت می‌کنند، که نمونه‌های آن را در میان گرایش‌های راست به کرات مشاهده کرده ایم. هرچند این راست‌گرایان همواره خواهان استفاده ابزاری از اتحادیه‌ها برای چانه زنی با بالادستی‌ها بوده‌اند. اما جریانات رادیکال با اشتباهاتشان نباید بهانه به دست فرصت طلبان سازشکار بدهند تا سندیکا و اتحادیه را از حالت یک سازمان پروتئری دوران بورژوازی خارج کنند و به زانده سرمایه‌داری تبدیل کنند."

آقای ثقفی آگاهانه و با احتیاط مبارزه طبقاتی را در جامعه ایران مورد اجتناب و چشم‌پوشی قرار می‌دهد. سعی می‌نماید با حذف سیاسی بودن این مبارزه آن را مبارزه اجتماعی تلقی نموده، و مبارزان این عرصه از فعالیت را هم فعالان اجتماعی خطاب نماید. و همچنین ثقفی با حد و مرز قائل شدن برای این فعالیت‌ها به کارگران هشدار میدهد که حدود خود را بشناسید و دست از پا خطا نکنید و از چهار چوب قوانین ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی تجاوز ننموده و حریم سرمایه را بخطر نیندازید. در غیر این صورت مبارزه شما از حد و حدود تشکلهای مستقل خارج شده و دست نامرئی احزاب مبارزات شما را به انحراف خواهند گشا ند.

محور تبیین ثقفی از مکانیسم نفی احزاب بر جنبش کارگری به نوعی مساله حزبیت چپ کارگری است. شکی در این نیست، که این حزبیت کارگری و سازمان سیاسی اش یک مانع جدی خواهد بود در راه پیشروهای گرایش راست و افشای آن. و نتیجه ای که این تحزب خواهد داد متشکل نمودن طبقه کارگر برای جدال نهایی با بورژوازی است. و از این طریق است که طبقه کارگر می‌تواند به بنیانهای اساسی بورژوازی چنگ ببندد. در دیدگاه آقای ثقفی و دوستانش حزبیت و دست یافتن کارگران به آن میوه ممنوعه است، زیرا این نوع تحزب دقیقاً در تعارض با سرمایه و جناحی در جنبش قرار می‌گیرد که همکاری طبقاتی با بورژوازی را در دستور کارش گذاشته است و در دراز مدت رشد این حزبیت تمامی سیاست‌ها و استراتژی‌های گرایش‌های راست را بی‌موضوعیت خواهد نمود و کارگران با اتکاء به نیروی طبقاتی خویش مبارزه سیاسی خویش را پیش برده و در مسیری گام بر خواهند داشت که نه تنها در سیاست دخالتگر خواهند بود بلکه آن را در دست خواهند گرفت و این برای منافع خرد بورژوایی دیدگاههایی از نوع آقای ثقفی نگران کننده خواهد بود. لذا مصنوعیت خویش را در ترساندن کارگران از بورژوازی با تز تعریف نشدن مبارزه کارگران با سیاست و احزاب جستجو می‌کنند.

از نظر سیاسی این حزبیت، چپ کارگری را نمایندگی می‌کند که از گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری نشئت می‌گیرد. این چپ در سوخت و ساز درونی طبقه کارگر نقش مستقیم و کلیدی دارد. و با اتکاء بر استراتژی کارگری حرکت‌هایش را تعریف و جمع‌بندی می‌نماید. این چپ کارگری در تقابل با راست قرار دارد و با نظام سرمایه داری در کلیت اقتصادی و سیاسی اش مبارزه می‌کند؛ و هدفش دست بردن به بنیانهای سرمایه با اتکاء به نیروی طبقاتی متشکل طبقه کارگر میباشد. با این تعاریف است که گرایش چپ سوسیالیستی نیاز میرم به تحزب و متشکل شدن پیدا می‌کند، و حیطه مبارزاتش از مبارزات اقتصادی فراتر رفته و کاملاً جنبه سیاسی و نظری میباشد. چنین حزبی باید مبنا را بر اتحاد آگاه‌ترین و بهترین مبارزان و فعالین طبقه کارگر در کلیه عرصه‌های مبارزه نظری و سیاسی و اقتصادی قرار دهد و تلاش نماید، هماهنگی و وحدت مبارزاتی را بین کارگران ایجاد نموده و اهداف کارگران را با در نظر گرفتن اشکال متنوع مبارزه در عرصه‌های مختلف تامین نماید. ضرورت و روند مبارزاتی که طبقه کارگر برای دست یابی به تشکلهای توده ای در پیش گرفته، تداومش ایجاد حزب کارگران در آینده خواهد بود در واقع می‌توان گفت این تشکلهای توده ای بنیانها و شالوده همان حزب آتی را پی ریزی می‌نمایند. ضامن به پیروزی رسیدن طبقه کارگر با دارا بودن حزب طبقاتیش، استراتژی سیاسی اش میباشد. که این استراتژی مستلزم سیاستهایی میباشد که طبقه کارگر در دل هر مبارزه با افزایش آگاهی و اتحاد خود تا متحقق شدن سوسیالیسم آن را دنبال نماید.

بحثی در این نیست که تشکل کارگری باید از لحاظ ساختاری نهادی مستقل باشد. اما محتوای سیاسی این تشکل کارگری است که آن را متفاوت مینماید و تعیین می‌کند برنامه و روشهای سیاسی رهبران و اعضاء آن چگونه باشد. مبارزه طبقاتی در جامعه به این راحتی نیست که بتوان با علم کردن یک تشکل مستقل کارگری بدور از دولت و احزاب آن را در برابر حملات و اهداف راست و ضد کارگری حفظ کرد. در روند مبارزاتی است که کارگران می‌توانند عقاید و نظرات سیاسی خود را محک بزنند و استقلال فکری و نظری خود را حفظ نمایند. در غیر این صورت آراء و نفوذ طبقات دیگر در مستقل ترین تشکلهای کارگری، اجتناب ناپذیر است. کارگران در مبارزه طبقاتی هر روزه ای که درگیر هستند با تجربه کردن هر روزه این مبارزات، آگاهی آنها دگرگون و تکوین می‌یابد. خود مباحثات تشکل یابی نمونه ای از این پروسه آگاهی طبقاتی است. تقویت و گسترش مبارزات کارگری در اتکاء به نیروی طبقاتی خویش نه فقط از مبارزه در عرصه‌های مختلف علیه بورژوازی عبور می‌کند بلکه مبارزه با دیدگاههای راست و غیر کارگری از نوع آقای ثقفی نیز بخشی جدای ناپذیر از آن خواهد بود.



پانوشنت ها:

(1) بار دیگر قرار داد های موقت

علیرضا ثقفی

کارگران ماهشهر بار دیگر پس از پایان مهلت کارفرما برای لغو قراردادهای موقت و به رسمیت شناختن تشکل کارگران، دست به اعتصاب زده‌اند. این اعتصاب‌ها که در صنایع حساس نفت و گاز به وقوع می‌پیوندد، در اولین گام‌ها برای شکستن سد مقابل ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در این صنایع است؛ صناعی که نزدیک به یک دهه است در آنها هرگونه تشکل کارگری ممنوع بوده است. اما این بار کارگران نه تنها خواهان حق و حقوق خود هستند، بلکه خواهان ایجاد تشکل مستقل نیز هستند. ایجاد تشکل‌های مستقل در این صنایع، خواست همه‌ی کارگران است. در پتروشیمی تبریز هم همین مساله برای کارگران مطرح است و به خصوص در میان کارگران پروژه‌ای، که اغلب در ایجاد تاسیسات نفت و گاز فعال اند، این موضوع از مبرم‌ترین خواسته‌های کارگران است، چرا که آنان از داشتن نماینده و دفاع از حقوق اولیه خود محروم هستند. اکنون کارگران ماهشهر با تشکیل کمیته‌ی اعتصاب، اولین گام را در جهت ایجاد تشکل خود برداشته‌اند که بسیار ارزشمند است. آنها در مبارزات شش ماه گذشته ی خود به این نتیجه رسیده‌اند که بدون تشکل، به خواسته‌های برحق خود نخواهند رسید و حتا اگر دست‌آوردی هم داشته باشند، پایدار نیست و ضرورت ادامه‌ی حرکت مطالباتی آنان، جز از طریق نمایندگان مستقیم و تشکل مستقل، امکان‌پذیر نیست. ایجاد تشکل مستقل از کارفرما، دولت و احزاب در این برهه از زمان، ضرورت پیروزی آنان در به دست آوردن خواسته‌ها و مبارزات‌شان است. هم چنین پیوند با سایر بخش‌های کارگری، امر اجتناب‌ناپذیر است تا بتوان از طرفی قراردادهای موقت را لغو کرد که خواسته همه‌ی کارگران است و از طرفی، تشکل‌های مستقل را به وجود آورد که در این شرایط، برای به دست آوردن ابتدایی‌ترین مطالبات کارگری ضرورت اولیه دارد.

(2) ما به این نتیجه رسیده ایم که بدون ایجاد هماهنگی و تشکل یابی، راه به جایی نخواهیم برد. حتی اگر اعتصاب موفق شود و دستاوردی هم داشته باشد، بدون ایجاد تشکل و سازمان یابی، آن دستاورد پایدار نیست و نمیتوان آن را حفظ کرد. لذا در اولین قدم کمیته اعتصاب را برپا نموده ایم. «

(3) "تلاش احزاب سیاسی در جهت در اختیار گرفتن اتحادیه‌ها باعث می شود آنها نتوانند کالای خود را در بازار به بهترین قیمت بفروشند. حضور یک حزب سیاسی در معاملات کالا همواره معادله خرید و فروش را بر هم می‌زند. عدم حضور احزاب سیاسی و ممنوعیت فعالیت آنان در یک جامعه ی تک صدایی، باعث می‌شود که گاه مرز این فعالیت‌ها مخدوش شود. در حالیکه فعالان اجتماعی باید با هوشیاری تمام مرز این فعالیت‌ها را رعایت کنند. در غیر این صورت هم به خود لطمه زده اند و هم به فعالیت‌های اجتماعی. گاه فرصت طلبان و عوامل سرمایه‌داری از همین اشتباه استفاده کرده و اتحادیه‌ه ارا به طرفداری از سیاست‌های حاکم دعوت می کنند، که نمونه‌های آن را در میان گرایش‌ها راست به کرات مشاهده کرده ایم. هرچند این راست گرایان همواره خواهان استفاده ابزاری از اتحادیه‌ها برای چانه زنی با بالادستی‌ها بوده اند. اما جریانات رادیکال با اشتباهاتشان نباید بهانه به دست فرصت طلبان سازشکار بدهند تا سندیکا و اتحادیه را از حالت یک سازمان پرولتری دوران بورژوازی خارج کنند و به زانده سرمایه‌داری تبدیل کنند."